

علیه دگراندیش ستیزی

مسعود نقره کار

اندیشه و بیان ، و شهادت هنرمندی که جسورانه حجاب از چهره ی محرمانت بر می دارد را نیز به نمایش می گذارد.

پیشگفتار

تابو مفهوم یا پدیده ای اکلنیک و چند وجهی ست، که در فیلم مستند " تابوی ایرانی" یکی از وجوه این مفهوم و پدیده به استادی به تصویر کشیده شده است. در این فیلم تابو به عنوان " ممنوعیت و خط قرمز" ی با قدرت دینی (مذهبی) و اجتماعی و اخلاقی ای بیش از قدرت خط قرمزها و ممنوعیت های رایج و متداول در جوامع امروزی، مورد بررسی ای روشنگرانه قرار گرفته است .



تابو در عرصه های گفتاری و کرداری پدیده ای همزاد انسان اجتماعی ست ، که به تقریب در تمامی جوامع و فرهنگ ها وجود داشته است. تابو بر بنیان مبانی فرهنگی و ارزشی متفاوت شکل می گیرد و بیدار می شود ، و پس از پیدائی بسته به شرایط و زمان و مکان، روندها و مسیرهای گونه گون طی می کند. برخی بتدریج از میان می روند و یا تضعیف می شوند، برخی اما جان سخنانه به حیات شان ادامه می دهند. درحوزه های روانشناسی ، رفتار شناسی و جامعه شناختی دیدگاه های متعدد و متفاوتی در باره علل پیدائی و زوال و تدوام حیات، و سود و زیان تابوها ی مثبت (حفاظتی) و منفی مطرح شده اند.

تاریخ حدوداً دو هزار و پانصد ساله ی میهنمان (و یا به اقوالی تاریخ هفت هزار ساله ی سرزمینمان) ، تاریخ پیدائی انواع تابوها در عرصه های مختلف زندگی خانوادگی و اجتماعی ست، تابوهائی که حول مفاهیم مختلف سیاسی ، مذهبی ، اخلاقی، جنسیتی، قومی و... پدید آمده اند. تاریخ اندیشه ها و باورها، و فرهنگ ما، تاریخ و فرهنگ انواع تابوها ست ، که تابوی دگراندیشی در زمره ی یکی از قدیمی ترین و جان سخت ترین آن ها می تواند باشد. در جوامعی با ساختار و بافتار دینی (مذهبی) ، و حضور یک دین و مذهب غالب و در آمیخته با قدرت سیاسی، تابوی دگراندیشی عقیدتی یا دینی (مذهبی) بیش از دیگر انواع تابوها رخ می نماید .

بهائیت، تابوی ایرانی

تابوی دینی (مذهبی) ، در این معنا که دین و مذهبی بدل به تابو شود، در سرزمین ما چه پیش از حمله اعراب به ایران و اشغال سرزمین مان و چه پس از آن به کرات دیده شده است ، تابو هائی که در زمره ی جان سخت ترین و فاجعه آفرین ترین تابوها نیز بوده اند، تابوهائی که گاه در معنای کفر و ناپاکی و نامقدس دانستن بر پیکره ی یک دین یا مذهب شده اند . بهائیت در جامعه ی ما یک نمونه است ، دیانتی که از هنگام پیدائی اش تا به امروز در ایران به مثابه یک ممنوعه و خط قرمز ، و یکی از محرمانت و پدیده های ضاله به آن نگریده، و در باره اش نوشته و گفته، و با پیروان اش رفتار شده است. دروغ پردازی و توهم آفرینی در باره بنیان های عقیدتی و نظری این دین و نیز رفتار خشن و سبعانه تا حد کشتار پیروان این دیانت، از وحشیانه ترین و غیر انسانی ترین رفتارها در تاریخ میهنمان است. حکومت ها، جامعه روحانیت اهل تشیع و بخش

هایی از مردم اعمال‌کننده‌ی گفتارها و رفتارهای غیر انسانی با پیروان این دیانت بوده‌اند. در این میانه نقش روحانیت شیعه در بروز این حوادث نقشی کلیدی و اساسی است. روحانیت در شراکت با حاکمیت سیاسی و یا در حکومت، و نیز به عنوان نیروی تأثیرگذار بر افکار و رفتار بخش بزرگی از مردم میهنمان مسبب شکل‌گیری این تابو، و ستمی است که بر پیروان این دیانت رفته است. ریشه‌های این دشمنی و ستیز را جدا از اختلاف‌های عقیدتی و مذهبی، در به‌خطر افتادن روابط و موقعیت اقتصادی و صنفی روحانیون توسط بهائیت نیز باید دید. بهائیت مخالف روحانیون دین فروش و کسب و کار و بهره‌برداری اقتصادی این لایه اجتماعی از طریق درآمدهای با زیستی انگلی، از جمله خمس و زکات و جزیه و... بوده است. این ویژگی بر کینه ورزی روحانیون نسبت به این دین افزوده است. پاره‌ای نظرات مترقی و تجدیدگرایانه‌ی اندیشه‌های باب و بهائیت را نیز به عنوان عوامل تشدید ممنوعیت و تحریم‌های آشکار و پنهان این دیانت می‌باید در نظر داشت. تابوی بهائیت و به‌طور کلی تابوهای دگراندیشی اثبات‌گر این واقعیت‌اند که بسیاری از تابوهای منفی به عنوان فرایند و قالب‌سازی‌هایی حسی و عاطفی بیگانه با فکر و منطق و عقل‌اند، و خرد‌گریزانند.

فیلم تابوی ایرانی

رنجی که اقلیت‌ها‌های دینی (مذهبی) از دگراندیش ستیزی برده‌اند، به ندرت به عرصه هنر راه برده است، به ویژه به پرده‌ی سینما. فقدان و کمبود چنین آثاری در ایران، و در حاکمیت حکومت اسلامی قابل فهم است. اما نگاهی به کارهای ساخته‌شده و آثار انتشار یافته در خارج از کشور، به ویژه در عرصه سینما نشان می‌دهد در این سی‌وسه سال تبعید و زندگی تبعیدی علیرغم وجود شرایط نسبتاً مناسب و امکانات لازم برای پرداختن به این رنج تاریخی و فرهنگی، کارهای بایسته و شایسته در این عرصه از تعداد انگشتان دست تجاوز نکرده‌اند.

رضا علامه زاده، مطرح‌ترین و یکی از پرکارترین کارگردان‌های تبعیدی در تازه‌ترین اثر ارزشمندش، تابوی ایرانی، جان سخت‌ترین و جنجالی‌ترین تابوی جامعه معاصر ایران را با زبردستی‌ای ستایش برانگیز به تصویر کشیده است، اثری که اکنون از اسناد روشنگرانه و گرانبهای تاریخ عدم تحمل و دگراندیش ستیزی در میهنمان است. علامه زاده داغ دگراندیش ستیزی‌ای که گاه چون تابویی منفی و زیانبار بر پیکره‌ی نه فقط یک دین و مذهب که بر پیکر یک جامعه زخم می‌نشانند را به تصویری جاندار و تأثیرگذار بدل کرده است تا نقشی در کاهش این پدیده‌ی شرم‌ساز ایفا کند. پدیده‌ای که جامعه روحانیت شیعه بر بستز فرقه‌گرایی، بنیادگرایی و شیفتگی و وابستگی به قدرت مذهبی و سیاسی، و منافع صنفی‌اش، سبب ساز اصلی‌اش است، ویژگی‌ای که بخش بزرگی از جامعه‌ی مسلمانان و شیعه‌های ایرانی را حتی از سایر جوامع مسلمان جدا می‌کند و به عنوان عاملی هویت‌ساز به آن هویت داده است.

تابوی ایرانی پیام‌های ارزشمندی دارد. فیلم سیمای کربیه و سرشار از بی‌عاطفگی و خشونت دگراندیش ستیزی دینی را عریان می‌کند. ناراستی و ناروایی تابوی بابیت و بهائیت، به عنوان یک نیروی دینی و اجتماعی خطرناک و اسرارآمیز را نشان می‌دهد. فیلم بانگ بلند این واقعیت است که آزادی اندیشه و بیان شناخت تابو‌ها را سبب می‌شوند تا تابو‌هایی که خود نقش عامل بروز و حضور سانسور و خود سانسوری هستند از میان برداشته شوند، و نیز نشان می‌دهد که پادزهر ممنوعه‌ها و خط قرمزها که ابزار مبارزه با آزادی اندیشه و بیان و عاملی برای بروز و تداوم سانسور و خود سانسوری‌اند نیز فقط آزادی اندیشه و بیان و محو سانسور، و تلاش پیگیر فرهنگی و دموکراتیک است. حمایت قانونی از دشمنی و ستیز با بهائیت، نقش و اهمیت حیاتی قوانین دموکراتیک در جامعه را نشان می‌دهد. این همه را حکایت و روایت تلخ و دردناک روستائیان ساده‌ی "ابول"، رک و پوست‌کنده فراروی ما و تاریخ عدم تحمل دگراندیشی در میهنمان قرار می‌دهند.

فیلم تابوی ایرانی اگرچه فیلمی مستند است اما فضا و روایی داستانی دارد، ویژگی‌ای که فیلم را گیرا تر و تأثیرگذارتر کرده است. دیالوگ‌ها و روایت‌های تکان‌دهنده‌اند، به ویژه آنچه روستائیان روستای "ابول" روایت می‌کنند. علامه زاده بهترین گزینه‌ها را نیز برای تأثیر بیشتر این کار دستچین کرده است. بهترین صاحب‌نظران پیرامون دیانت بهائیت و ستمی که در طول تاریخ، به ویژه از سوی حکومت اسلامی بر پیروان این دین روا داشته شده نظر می‌دهند و پاسخگوی پرسش‌ها هستند. صحنه‌های درخشان فیلم برداری، صدا و حضور داریوش اقبالی و موسیقی اسفندیار منفردزاده نمونه‌هایی از این تلاش‌اند، تلاشی که نقش و سهم درخشان و برجسته‌ی همه‌ی همکاران علامه زاده، به ویژه تهیه‌کنندگان فیلم بیژن شاهمردادی و

منصور تائید، نیز در آن محسوس و چشمگیر است .

رضا علامه زاده با تابوی ایرانی نشان می دهد بیمی از برجسب خوردن و مورد انتقاد قرار گرفتن از اینکه به سراغ " محرمات " می رود، و بی پروا مدافع حیات آزادانه ی محرمات است، ندارد. علامه زاده همراه با فیلم مستند تابوی ایرانی وفاداری به آزادی اندیشه و بیان ، و شهادت هنرمندی که جسورانه حجاب از چهره ی محرمات و ممنوعه ها بر می دارد را نیز به نمایش می گذارد.

+++++

برچیده تبرستان از پیک ایران. [تاریخ مطلب: هفتم اسفند ۱۳۹۰ برابر با بیست و ششم فوریه ۲۰۱۲]

<http://www.peykeiran.com/Content.aspx?ID=45158>